



رهبر شهید زحمتکشان ایران دکتر تقی ارانی
مروج بزرگ مارکسیسم - نیشن

بین بست مبارزات صنفی

دانشجویان را چگونه باید شکست؟

ر ایشکاهای اسلام مدان نبردند و به تنس و درد روی
در اشتوان با پار و زین خود کاهه ایشید ایست . در حالی که
پیشکار بزد آن داشتند یعنی کارزاری ساخت . دندان را لایخ
در طبله را تازم رانشکاهی های ما ساخته داشته باشد سیاسی
گزنش ای را پنهان کرده سرشست .
چشمی گشتوش است . همه سوالت کلاته هم پیچیده ای فر آنده
بودند از این اساسی تبار داشتند که هادیه لرس
مالی را سپس شده استند اما سولان ساراکی داشتند همیشتهای
شراحتی پیکانه و سندیده ای را با این رسیده
آن بنی محفل و شرمندی شدند . هر چند برهانون مدعی
باشد از شنوند و صدمه های هنکران مطلع نداشند
چنان ساراکی مذکور ساراکی به هیچ های نای و پایه ای
کردند بر پرورش حقوق اسلامی داشتند و باری
از طرف دیگر ای اداء بلاستگانی پیار هؤالیس و سرگفتگی
پاکت روحه سرشنوردگی پیار سر میان داشتند که های شدیده
به عین تین حاصل منصب چون روحه ای از پله سو تهدید
دینه ای از صفتگی و

از نوشته طبله بدپرسخ تون و شنایش خون حلقی سلسله
دراست رنگ چو بان که در بولار عده بهه با نوشین و شنایش میگزوه
طبله ترور آخوند و خوبی کشند ای همه بد هست هسانی
بهازهاره ای را ایجاد کرد که به تهمت ایصال و عجا ای رفیع ایران به
سرعت رنگ سیاسی به خود گرفت و از این داشتنکه به آن آن داشتنکه
از این داشتنکه و از این شهیه آن شهر گشترش
میباشد. اساساً خواص خیال دار دادن به خواسته های مذکوره
آن است. این اشیویان خیال داشت. این همراهان که شهلاز خون و سرگز
نمیگذرند که نگاهه خلی ای از همین ناشی هم خلیه گزی به
طمثمه جلا داری به سلکم نکار. همچو خواست و نتو تقویت
گشتنکه های شدنی بر پریار منظر داشتنکه بان داشت پاشد. در
نهن همراه او زور و پشتکه دادن و شنایران کردن و مسخر
پیشتن و از هم درین و شنایران کردن و متسعاً
گلکید همه غل هاست. میکنیم این خلاصت همچو بجز خدا
پیشتر. لذیوانی و خودسی کرد که ایه و لشتنی به فرازهات
اشیویان خیال داشت و تازه با زار ایضهن و مترشان نهاد. و همه
استگد که این بساط ایه ایه ایه ایه
وابنک سوالی در فرقا هم داشتنکهها و در همه سالسل
دشمنیم بیزند.

نهاده ساخته ها و فروشگاهها و ناسیم احتمالی در مراجعت از
مسن راستگاهها بدیدم. یا بهینه بازیه اصلی و شرکت
عن صیانت پرداخت و مسون با مرکز های انتشاری و ریسکسازه
بر زیرزمینی سفری طبل شد. یا به حفظ تک سیاسی و انتشارت
را زیرزمینی کرد که به اخراج امنی و خلی و قال این آتشگاه را
پرداخت گرد. این تحریر از اینین کشتنی استند سرسود از
پردازگرد و اهراطگرد و فته و شوپ بیزورد. اندیشه
شیخ بر ویند هریان بزین نلا شهابی سیاسی و انتشاری و منسقی
مددوه چنین روحیه های شمارت لرزد.

شاندن صائل را خل دانشگاهیه خیابان

چارزه، چه صفت و چه غیر صفت معمکن به نظر آست. چه
بسیار نووقر برای مرحله بات رکود و خودت در ورتو رئالیته فتن
تدبری می شود. هر مرحله از مرآت زیرینه شاهزاده به مرارت
و گوشل ندازد که بسیاری کند. اگر بازماند و تفاسی صفت را دارم
بله خواست سخنوار و در های باده داده و در شرایط مغلقات
و تغیرپذیر دروس را می بکارم و دیگران را بگشته و طراوت
حلب بکشند آن را رایی پسند و این امکان را فراهم می کنند.
ستایل به تدریج سازواره آن باز ایزاباشد و سایه و بدرازید. و سی
بله خواست منعطف به مانع مقاومت بی خود. لازم است که
شروع های توسعه دروس انسانی امکانات بالقوه برداشته و پیوگردی
دور و دور نشود تا رانگرید. این و از همان و بدنگی و شکونی هر
چیزی را که می خواهد ایست.

در عرصه داشتگانی و در شرایط انتشار گوشه، همان طور که نایکنگ ترکیم و مازرده منع احتمال سایه بازی بود، میرزا گاه غلایش در راه تحقیق در خواست صفحه به سامانه نقص تبعیغ مطلب و نظرات و نتیجه نظریه ای آن را با تأثیر و روابط دیگر اینها، سیاست ها و اینچنان های سعد و دستکش و انتشار پروردگاری کرد. و انسان ساز راهیانه شاهد بودند که چنین شدن، نظرها بنشسته و سلطنته هزاران را داشتند و این شدن نظرها نظماً و سین چند روزه در انتظمهای بیشتر از ۲۰ ساعت بگذشتند.

د اشتوپاں یا می باست خواستہ پایی ھنھ خود را کہ سوپ
سماں آن دام بھرتو قلوب نتری شود، در موڑت پر خورہ
جندی پامانج وہ پریم تعلیم خود بدل کئے، این یہم راهیہ
و سمع تو نہ میں مر دم بہردا۔ لِسُنَّتِ اشتوپاں باں بانوہے ھا
کلکھن کو د اشتوپو یو گھر، خود میں اٹھاگئی است، عطا بیتی
کہ درم از خردنگ انشتوپو خودی کئے، مہان لاری
است کہ مایہ حوب نہانہ کھو جائیک و مرفق شلیک کر، این
معنی را در سڑاپتکنی میازات انشتوپو بز سورفیا میست
ہاں مٹنی پشکامم:

در لحظه گفتو پیش از شنیدن مان در جویا
کوشش هایه و غافل که بروغ نایت آدن برینگر اندکی های
نهاد و توجه سازن اهای صفت خوبیه که در مجتمع راگان های
آموزش عالی داشتند بعلاوه اینستادن این
ساخت و پیشگاهی فعال اینهم مهندس های شرقی / تهران
کاشتند نویندگان خود را راهی اهداد و آنکه با تعلیم و توضیح ایم
و نهاد راگات قطبی بروج حبشه منظر و سالمت آمیر تعالیه شدند
نهاد کشند و پاپنش ملامه هایا پایا بلاکات های شدد و در علوی
علم و فتوحه در بربری و زارت علمون آموزش عالی و پاپنت اعیان
جلس پیا زار طبله در یک کلاس ح ایم ایتد ایتحاع گشند . درین
نوع ایجاده های اینستادن ایم خان طاهراد ایجاده های ایجاده های خود را
عده ایشان مهندس های اینستادن ایم ایتد ایجاده های ایجاده های خود را
دری ایستاده های ایم خود و طبله و حراج تبلیغاتی زیرم بکشی
زمینه کشان و اقشار و گروه های مختلف ملی و دیموکراتیک . آنها
باشه به سولان وزارت طبله با نایندگان ایمان میباشند . درروایی
خطابه به مردم - باشکن برادر ایندگ تائیون ترین و بهدیهی ترین
خوبیه ایم خود را ایجاده های ایجاده های خود را دستوره دسردار
گردند و ایجاده های ایم ایتد ایجاده های ایجاده های خود را
شرشی کلاس و درسیه دیده بوده است . آنها باید اندکی کشند
که باشد ایجاده های ایجاده های ایجاده های خود را دستوره دسردار

عند "رابطة" زنده به صور

معنی، ترس، خوب و بد مظلوم جشم استاند. باز حسنه است
دانشجویی، معمورماندن آن در پیهار دیواری را شناخته اند
ایست، حرکت های داشتنخواه چون به در نگذ سایر و چه در
هزایی های متین آن بــ استثنای جلوه اند. دنوانسته هر
کوشیده که پیواد از روی دیوار را باشند، داشته اند، هم چو گروه و
جنبش اند، پیکار و پارس و میاهزد و آنها با خاطب قدر مدد و از
آنها اند اور یاری و پیامدها. معمورماندن چنین در اکسر
موزار به زخم و صرف راه است تا با رای جال و به هر شیوه ای
که صلاح می داند و در انشاهه هایار و داشتنخواه یان و داشتو سار
کند، همچو چشم پیکر و پیکر و پیوند راه مید آید. رفته همی دند که
در پیش ای انشاهه هایکه کاتن اند پیش و یا کاتی است، بــ هی از
آن سرا و پا یا گاهش و پیوندها است که اهدی هی کسب حیثیت و انتدا
و میتواند ایشان را بــ باشد. با این چنین اوضاعی باشان را در ن
نمیگیرند و اینها را بــ میگیرند. همچو اینها دندار و چیزی را
نمیگیرند. کجا کوئی او موده اند. خوب شــ بــ بازی هار میگرد کوئی
هار چنان صدراه ایشان را بــ میمدد و انشاهه های خاطر از دن و اند و
کیکار کردن مرد هاست. داشتنخواه اگاه که بــ هایان امر واشهه
بــ هایان چنین را نخواه می را با هی حق رهندگان این چشم
اشتاد را بشانند یکبر. پایدیا چنکن دیوارهای که ناگون
دشمن خواهند هدوان هضر اگاه عصیانی چامه و باز گوشی و
خوبی هایان و تشریف و طبله های را بــ میخواهند و همچو جلد اولی دشمن و ابروست
در نیمه، ترس، خوب و بد مظلوم جشم استاند. این نطفه همچو
دشمن همان نطفه تیزی خواهان ایشان را بــ حرکت های حساس نماید. ایلی زدن بــ هی
در داشته و عیالیان بــ هایان بــ هایان باز هر چشم خواهند ایشان را بــ همچو
های حاذب و زندگ و شنسنگ که برای مردم قابل ایس است و
جذاب ازی و همدردی نیک خواهانه آن را جلبی کند، همراه
باشند.

ضرورت جلب حمایت استاران

مشیند. انشعو بان در هر یک از اشکال خود رنگ نمایند و آنها را
نمیرو کنید. باز نظره نموده و مراقب نباشید. اسماهان می‌باشند.
دانشجو بان پایه برای تحقیق حواست های منی و خود
خود درون ایجاده و خوش کردن سپاهی و تعمیج هایی که در همین
نویسه کارکرده اند. اینها تذکر کنند و بروزه اینها موقایع
حبابات اسماهان را راه دست آورند. بودجه شنکه و شسته های
شنبه و پنجشنبه و شنبه سپاری برای تراشیدن اشتاقتی
حاصمه امراه اینها و داشتھورا به این اسماه بوند می دهند. اشتقراء
آنها از برخیه های مادی تا تراشیدن شاخهای منی بایه بای
هم بپرسی و رویه همانگی شنهای و در برقی اینجاهم. نیزه^۲
اسماهان زنده مشکل است که از حرمت منی می توانند که رنگ
سارز را به تفعیل انشعو بان پائین ببرند. نامه های رسگاهه
درینی و اسماه اشتکاهه های شنر و هضمنت به نهست
درین و در روزانه عطایله به لعل اینه. برای راهبه با سایر امور
دانشگاهیها و نیامه و خشنو شد که از اهواز و زنجیره این مردم
می اشتخر و سنتوت و سختق، بروز این تلاش استکه باره بزرگی از
اسماهان آگاه و شرفی با در گکاره انشعو بان نمتد و از همان
مسایل و نارواری ها و تحصلهای بین نیزه و زنده، که^۳
که این دو مدل برای رسانیدن چون گشته شد که این احتمالی
که اگر این است شنوه های سک و شتر رای از اینها و آگاهه بپردازند جایبیش
آنچه اینها باشد اینها شناخته شوند و گفته شوند.

بیماری آنارشیسم و چپاروی

آنچه از درون تپه‌های آشخوسی را نی تراشید و خوبیده‌ار
که، بجه روی انصار گستاخ، آثار شمیم و راهگزرنویسی
می‌دانیم پرخاشور و مهابا است که در طول ماهیان اخیر جلوه
های آنرا در تپه‌گشتن و پنهانه و شنیده ها به هم رفته‌شن
آنلذتگاهها را باز رانیده که بعده اینها را بجه گردانید

بن بس تجارت صنعتی

جهیزه داشتم باید بتوبل در انتشار بخوبی ها، جسته
شدن پاره ای اینها که تعریف را آغاز نموده، مبارزه ضعیف
را از سری بگیر، خود را با این دلایل تقدیر کن و بسیار شاهادتی
نمایان بگیر، میتوان سکر وابی و شماره ای عده را گرفت
که نهاد، ظاهر این روحیه ازهم اگر کمتر نمود است، فسی
لیست شنیده ای اینها را در انتشار نهاده و ماه میانه ای
پیش نمودند، آن روزه شرطیت اینها را در انتشار ساکن نمایند
آنها و نیز بمناسبت میتوان بر حواسات های داشتم باید
نخواه و میتوانند این را در غذالات داشتم و در این میتوان
ه باره ای دیگر «اصلاح شده بود»
«اصحاحات داشتم» بگوییم و در برای احوال خاطری، قیصر
کام علاوه هم گردید.

نگاهی ضعف و قدرت فعالیت

راه گشایی در مرحله کوچک بازاری زیرگاز ایجاد نشود و راه
نخست باید با شناخت مده مانع وکیل هدف ها، صادرات ورق
سازی و خفت های جهیزه داشتند و این باره تأثیر کرد.
خواست های مدعی داشتند این خواست ها مذکور چیز است؟
در پردازشی همینکه محتوای اسلامی این خواست ها مذکور
نیز همچنان که صفتی «والله ایمان منع سیاسی وجود ندارد» این
معنی دارد که حرکت های منعی داشتند و «خاطر طبیعت» و
واعظت آن داشتند و تراست. از این رو خود متولدان روزبه
نماینده مصلحت داشتند و این باره تأثیر کرد.
هرچه فعالیت صفتی خیز نباشد محتوای سیاستی است.
ستانیان ایمان کشیده خواست های صفتی با سابل سیاستی و
نماینده آن، شفیق را که مدنی سازیان و ایمانی نماینده ملکی
نمایند و از این راه ممانع آنها و از این راه در دور تابع و بهره برداری
نمایند. کافی است تا سازماندهی و فعالیت متمدیده «ایمانین
نکات» است و راهی برآورده کرد و کار گرفت.
فعالیت صفتی از آن حیث معمولی و شریعت است که مبنای
ده، های معنی و تابع لسانی و توانان بینشیدن افراد و اقلیل

مشغول بپروردگاری و مهندسی سازه‌ها، فنی، مهندسی اخلاقی و تربیتی هستم اما
زیرا این های انتہایی و سلسلی خالقانه استخوان است. اینی
در پروردوری نیک سازیان صفت داشته‌اند که نوادگان در این
برورده‌اند و قدر مایه صفت فناختی صفتی باشند. دلیل نیروست
عاقلر این که حیثیت منفی تابع مدد و دست های نظریه‌ساز
سازمان‌آزمیز سیاست است. هر چند همه ناشناخته افسر از این
تفصیل خود را آنکه کار و خود را هرگز برپا نمایند و شرکت‌های
سازمانی ایجاد نمایند. در این صفت است، برای این که وجود فناوری همای
راهنمایی‌های تفاوت و مهار می‌نماید، درست و اقسام این رفتار را
آنکه در این کن‌سیاسی به سیزده فرهنگ و لذتی، به سیزده نظریه‌سازی
مشتملی، در زیرین پوسته و سخت گذاشتگی از گاه باشتاب و گاه بر کندی
نموده شده باشد. هر چند اشاره می‌کنم که حد آنرا علی‌حضرت‌امام‌هی
در این اشگاه شهوار، تصریح ملحت نمی‌گردد بلکه از این‌جهات
ترنیچ یک‌چیزی که انتہای از تراکھات داشته‌اند و خیانتی
در رایه با کشان و شهاده نمایند و غیره... از این
ترنیچ ترکیبی که انتہای از تراکھات داشته‌اند و خیانتی

سویا تحدیه دانشجویان دانشگاهها

شکل‌سازی رو شایر د استکاههای اسلامی آذربایجانی و بودجه
شترک و هدفبای تغیریات سکانی در این پنهان شناس مقدمه ای
است که با تکیه بر این مبنای مددوه نهاده عالمت منع را تبلیغ
د استکاهه های را اشتگاه و از سلسله را شناخته نامزد هد جای
آموزه‌های علمی و کمترین در این پنهان می توان ارزشمند
منفی های را اشتبه و بینی و تجاذبه را داشتند. نهایی است
که هنر روازگاری از اندیشه های اصلی و اولان را اشکوه
آن است و نویز کارانه بی سعادت ساخته را ایجاد کرد و نهایی است
که در سال ۱۹۰۷ داشتگان در مدرسه ای اندیشه های درست و
اعلمه ای از این کارهای بی جوش شکننده هایی هستند. این بزرگ زمین
اشتموار این کارهای بی جوش شکننده هایی هستند. این بزرگ زمین
رویسته هدیه است. به این ترتیب خصوصیه های هر کارهای اسلامی
و اسلامی ای این کارهای بی جوش شکننده هایی هستند.

صحنه سازی مهوع در روز ششم بهمن

ظاهر این پرونده در سراسر ایران اخراج شهدا و ملاک و پیشنهادی های روم / از شاه جبار و دریج پالس ایشان امداده است / مردم شام پس از هاروسی که این این شاه و زوئرس طلح مخدوش و پادشاه بودند بر روم شرکت کردند و دنده بزرگ برده های پیش را در پیشه و ملکه بلند درست های روزگار کنده کنان رو نه منسخ ناسماوا نیز کنده بودند همچنان تعریف شد در لشان خانه داشت با خدته همچنان نیایش بخدمت را مذکور کردند .
چه کسی نیز از این دارای روند باشد که این شاهی بخدمت شاهنشاهی از هر شتر رومی پیشه و فاسدی چون و زخم شاه خون و زخم است ؟ اگر شتنین های روم بوسیده ای به لزمه نهادن باشد چه همایی به چشم نشایش های فرمایشی نیام باز از طلاق و پیشنهاد مخدوش و سهم تبلیغ و پیویگر خلوه ادارن آن وجود ندارد ؟
نیایش مهدویت شاه و اتفاق بخدمت شاهنشاهی از خود رست اسطلاح مهدویت شاه و اتفاق بخدمت شاهنشاهی دلیل شده روم و حصلی ترشدن کنند ای است که از زیرم شاه و ساواو و اتفاق لام شاهماهه در دل روم بجهود لرد و اکنین بپیش از هر زمانی شاه لاستور های اطراف از آن آگاه و در هر استند .

امن و رکه پیش از اینجا روایه شاهنه نجف شاهنه ملت از اهداف خود
شاهه حاصل نمود. ناگهان سبل اخبار و گزارش از امن روزه و
نشانی اخباری به سویت عالم غرمه با همراه و تکنیکون
امان تحریم سرمه به اسرائیل در وزیرانه حاچی شد و در همان خلیل
تمامی احتمال هواه به جمهوریه و به محمد شاهزاده و دیگر مسلمان
تمامی احتمال هواه به جمهوریه و به محمد شاهزاده و دیگر مسلمان
تمامی احتمال هواه به جمهوریه و به محمد شاهزاده و دیگر مسلمان

سازن اسرازی زنان ایران اطلاع در آمد بود که بروای جمیع از کارکنان راهنمایی و حفاظتی کارگاه شرکت بر راه رسانیدند. همان پیاوی در مسد و ایندهنگان تاکن و اینهوس های شرکت واحد نیز نیز کارکلت مخصوص صادرند. الینه لیهایوی بیون شرکت در نظر افرادی که شام کشان کاری صادر شده بود اعلام گردیده بود. بد کارکنند این به طور شناختی و گاهی به سویت شناسه حساب شده گئته شد بود که در صورت شرکت نکسر من مبلغه بر آن که بدان این اخراج از دست اینها می خواهد کرد و از سه ساعت پیش و در اینجا اینها که بپارانتس بودند خواهند شدند. همچوپن شرکت نیز معمول خواهند کردند. به ایندهنگان تاکن های ما و شرکت خواهند شدند. همچوپن در صورت شرکت نیز کنندگان در مطالعه از اراده ای که محروم خواهند شدند. اماکن به معنی جای خشم شدند.

سازو و حزب فاشیستی راستگانه نیروی شان را به خدمت گرفته بودند تا از روز ششم بهمن انقلاب شاهانه و آیا پهلوی را مکارهای روزه باشد. املاک خارجی علی و سپاهی به سینه سازو و چشی گشتنی، این روز که از مردم تها خل پاینده بود، از ارباب گرفته شدند و مخفی بگواران و لذت برداشتند. از اینجا شروع شد و پس از آن این اتفاقات در جاده کرج پهلوگردان شدند و پس از آن اتفاقات شاهزاده های خود در آمدند. این اتفاقات در تازی طبقی را در این دوره نیز در میان اتفاقات جنگ جهانی دو خواهی خود از خدمت گرفته شدند.

چگونه وریزان در کتابخانه اندیشه‌خواهی را پست و استخاره تهدیه
و سلطان‌الله و انتشاری داشت؟ چگونه نیز این صفوی گذرهای
پاپیس سلیع را در انتشارهای طربی و شعری کرد و درین مالی
شناختگی ملی و اندیشه را طبله کرد؟ این نامنیشم که می‌ساخت را
به که مکار در سرس بوده ام درین انتشارهای اندیشه‌خواهی و شعر
ها و مقاله‌های خود را به مردم ارائه کردند اما همانند که در مخطوط
پاپیس که این مقاله را در انتشارهای اندیشه‌خواهی می‌داند بتوان
و سلطان‌الله ملی می‌سایس و کارکرد های انتشارهای فارغ از این
و شک پاپیسی کوشند تا آرایش و مانتن این تفاوتات منع
و احتجاجی این نسبیات انشاگر خیابانی را به اینجا منتقل به هم
بودند و همچنان راهبردهای اشتمو و زوره را پنکه و این سه لگانی را
به هشت حصارهای این شهر پست اند انشاگر خیابانی پست این داده
نهادند این سه این راه را به این دست اوردند و پایه‌دهندهای
لهمایر این راه را از روی سواره کردند و هنوز این اورس و پایه‌دهندهای
طبیعتی همچنان و مطبق زور و شماره که اسلمه اسماهی داشته‌اند
شانه — سازان است و به صوره بشتم و مصالحت آندره انتشارهای
حلقه بود، خودروی آبروی سر و خونه، تر خواهد بافت و می‌سوزد
و یعنی خاصیتی و غلای بودن امیزه‌های شتر جملی فرمایش

وازه‌ای رزم و خاطره‌های گلگمن . . .

شیده ای و تاریخ اینها مانند، فرشی و پیمان و فاطمی جزو
خاطره های مردم است. چنانچه در توان خاطره های مردم را از
آنها گرفت؟

له تمدن اسلامی های هر بیهار در درست های باز و
سخاوند های سخنوار می شوند، مثناهی خود را درین و نتکجه
روی دو شیبا و دستبای طابت، آنها از این شهد الملوکی کرد.
به ناشای های بله و بیان کوشان و احمد زاده، چون خود را به میهن
خانه، صلاحیه مسیحیه و علیه عطا یار بپوشان و داشتمیسان
شایانگان و بیدم زادگان مصادیقی متبرک بنامها و آنها های
سی شمار و نیان افزودند و زیارتی ناشایی کردند از این
تیر چشم خودش را بضم نکنند ها و دشنه و آنکه هر چیز هستی
لهم بخششان را باشماری از سر زان افلاکی های این را برگاهه اند ام
دیدند و بدانند و بدانند و بدانند و بدانند و بدانند و بدانند و
بله
سی آن که بپوشاند و نشاند از که آنها به خلق و برویت پاره گشته
واو و که بپوشان تسب آورد و بردند قطمه قطمه شدن خود را
نمیگاهد و گردد و خشم را این پشارت نشاند و بله بله بله بله بله
برود:

من به حمامه ای طبعی شعلی دارم که خلقوشد تنس

هزار ده فارغ و زیرینه در پایه ارگاه ایامیم، از جزب و خلی اندیش
داریم:
”من باداشانی آشی که ها طار خلی های ایوان در
سیده ام سحله نم کند راه صفر و شده را برگردیده بام.
باید اینان کنم که مام، استخوانی معمون و گفت
پوست و همه تار و پر و جود و این را را و اینهاست
شناخته است. شام سلیمانی ام و همه در راتم نموده ام
همست. من هاشی سو سیمانی و هاشی ساری آ
هنوز طبعن گو روایتی گلپاگ حکمت جو در اسارتگاه زنده
شکاف است:
”زندان پایان گز به اینلاین نسبت هست، آغاز مرحله در مش
تری از تشریف و آمیزشی تدریک و تبیین برآورده ها
در بگ و تفسیر جهیان است. بالهایار فقط وقوف تمسا
ی شود که باورگرد میشن ازاو قزو تراست. اوایل ای
خطاب در میانت خود بدوی بگردیده است بعدها ترتیب
نه زیر چنانچه کی دشمن، بلکه به دست خود ای پا
د. آنچه است؟“

میتوانند قابل انتقال نمودن گشته باشند تا خواهد باید.
فرمازون نکشم که هر خواست و خواهشی وقیع با مرگت می آموز
نهی میاره است، هست اگر این حرکت بهله حرکت صنعتی باشند
هر چند و بجهدی عواید غلظ است، باید بیان لازم را بسیار
جذبیت آن پذیرفت، درگیری های انسانی از این قبيل اگر
چه بروزی برگرد، حشره های شناسنی میتوانند این را بازخواهند
و طاقت را درست، از این رو تهدید و ایجاد گردند اوروز خدمت
استثنایم درین قدر آن طرفت های اتحادات پنهان برای این گشته
با چوکره هر ساده تازه منابع با آن ملک بندی گندو شبوه
سله و دفعه خود را تغییرهند، خلاصت پهلوانی تباری است
میتوانند این را بازخواهند، اینها در روند این میاره کتابتگران و فراست
و جوچنگی اتفاق نمایند، اینها در غلبه مدنی این گذشتگان
آگید بدهد می شود تغییرهای این دنیویه بضرر سیاسی و انتہائی
مزاحیانی آن تغییرت می شود، زمستونها برای حرکت های اساسی
تر تک با طبقیت جنیش داشتگویی به شاهه بخشی از چنین
معنوی مملو و دمکراتیکه مخلع های اولان سازگار است، مهمانسر
می گزند.

نهسته
و فهریانی که در تبریز اقامه مساجد و صنعت ناهاده این گلای
در عرضشان "عمری خوش" بودند و پاسخ به آذون خوانده بود :
"عیان رسایه ای دارم و کوچک نیزم درمه مصلح است که گهای
پاشا لاستر گویند ها بر شود. من بی خواهش
خاکستر این مرد باشم".
و شهداد و سلطنتوران سپهار دیگری که در حساب خانه های
اسلامی خش نشدنده در کوهچه ها و خیابان ها بدخش نبینید
سرینهان ها پیشنهاد می آن که از مردمت گفتند خوش شنکن پا
وار و از اشاره های اسلامی خود اسلامی شفیع شدی کند .
هر گروه از این قسم فیض و پهلوانی ها ، اعتمادهای خلق میزاد و
می است . و از روی این اسانادهایها تاثیر و افکن مایل زنگ خریزند
سریع پیشان گشت خواهد شد .

از پر ملای نصیری که باشون از ایران شاگرد چواد است
بلد، هزاران ثابت برقی درگ سرخ و خاطره دست نهاد
خلیل ماتکونه که توائده را بلوش نگهد. خسرو گلمرخی سور و رو
های کاروس و بجور و شنگه، خفتله پاشی به دندنهاد:
.....
پانکرلاییدی این کهه، نتاب تربت شعر مادر خلشنگش
سرمه،
و هونگند ترازیان که شهادت خود را پوش سر لاخ مادر
شهار است زاده بوره
مار او اوزک شرنانید. برای ملکیست ها، برگ اوزن
زندگی که شما نکنی ها بیش شاهدی کنید گلزار است
آن مرگی که و زندگی درگران حقی صمد، برگ نسبت
مالکیست ها، بهمن مرگی را با اگر کشیده بازی پنجه درمود.

و نتائج شانه هایشان را با اندانتند. زنده تبارانها از نوش
و بدینکن به خود می پیشیدند. سرخان براون رنر چشم گرفتند
از هیلرزان رسخت، وقتی چند از آنان را درست چین کردند و به
”زیر هشت“ بودند. صدای وضع خاوری این بازهم رنگ داشتند.
فراست، دو همین در وجود از آنکه مخالف و شوربرانگیز
گردیدند. به اولین کردند سیل میکو به مرتبه زیر نشستند.
نهادن از آن سیل میگردیدند از آن پر کردند و بعد هم از همان
آواره از خوش بپر کردند. همچنان که شرمندی اینها بودند. در
جهدی از جذب هایاری نهادند. همچنان که شرمندی اینها را نهادند.
نهادن اینها بسته آن ها که مخالف و شوربرانگیز بودند
تاختند. روز تنگی پنهانی کردند که از آنکه زدن وضع خاوری هیلز
و زدن این انتشارند. بود. هر گزی خود احساسی کردند. وضع همی
آن سرمشی ما زند آن و استخیر گردیدند.

زندانی چه تعریفی کنید؟
 رفاقت خار وی در این اتفاقات مذهبی بود. در زندان افغانی
 بود. زندان افغانی است. این افسوس او را در میان جمیع دل خوش نداشت.
 او را نسبت ایستاد. او نیز این ایستاد را در جمیع شکوه و عطاء
 و الیام خود پنهان کرد. می داشت این معوکتی هرگز محبوب نتوء.
 ایران هستی در زندان لحظه ای رسالت نهاده ای و اینلای خسرو
 را پایان خود نمی برد. او خود را از زندان بیرون بود.
 در همین زندان اصبهان بوندگان باک روزی دخترش به ملاعانت
 آمد. سالمنا بود که در زندان خود را در پدر بود. همچنانی داد اور
 نهادن تسلیت سپاهی را در آنها پیش از ملاعانت بود. هر چند در همین اسas
 اندوهانها. به زندان اینها گفت:

- تنهای را به صورت های دیگر ملا ثابت خواهیم کرد
 گفتند
 - به چه شرطی؟
 گفت
 - شنیدم اورا پشت مبله های بیند. ملا ثابت ناپایانده
 پاشند.
 زندانیان گفتند
 - این غم مکن است، علاوه بر ملزومات است.
 روضی خاوری گفت
 - جز این همه ملأ ملزومات انسانی است.
 زندانیان زیر چار نرفت. او نشست شوی و سوچت دیداری
 که سالیان زندانیانه شده بود. پس از آن شدید آشی، در سرمه
 چهار خروجی رفته و زندانیان از ملا ثابت خوش بودند.
 هر چهار چهل و شصت زندانیان شوی، شفاف شدی و مطلع بر پیشنهاد
 هی بودند. اکنون به عنوان از آن و پیش منی در زندان ناقص
 آن طور زندگی کردند که خودشان خواهد.
 آن طور زندگی کی که کنده شدی خواهد.

واینکه جان این فرمایان خود نهاد - این سماوی هم رفعت کرد -
دو خطوط است - برای آزادی این فرزند سلطنتور خلی بامضه
تیار خود مبارزه کردم - وجود حصاری در زندان شاه یعنی شکست
که شاهزادگان اسماق و خیر انسانی دخنه های آبرسانی همراهی
می ساخت در آن ریخته است - من و زنده بر سوانح و مکونه هست
زمین پیدا کردی اینکه مقابله ها را در سپن یکند تا چند هاو
خفقا شناختی از آزادی را لست باشد . . . بروی بیانی هشتی پرورد
که بدینه خود قتل شد - سماوی از زندان رفته و از زندان
و سعادت و زندگانی سعادت و زندگانی سازد - ابزار شکجه

آخوندگان

شده اند. اگر این عدد از کارکران خوبی هستند و تعداد ای
از آنها سند ممکن چاپخانه ۲۰ شهریور را اداره می کردند.
سازمان به نام پایانه های تهران استور را نهاده است آن ها
را استفاده نمی کنند.

卷之三

خانواده های کلگران اخراجی کارخانه ها و واحد های
سنتی ایران را نگذشت و قدر تهدید نمود. نشان مقدمه
بملکتی در واحد های کلگران و تامین زندگی کلگران اخراجی
نمی آمد. اکنون بمنهجه هر دهان گذاشته به گردان های و زیست
شاد سوالات که می خواهیم از اخراج کلگران اعضا جنبش
پذیرفته باشیم.

علی خاوری

صدای حقانیت حزب ما



جان بک ازگرای تین فرزندان خلیل مار زندان شاه
خطر است، رعیت ملی خاوری که از جباره سال پیش بر پیشه
ها و شنای شنک و طاقت فرسای روزم وزیر نثار و همچوید آمد
است، به اثر شارا مشتی هستم «ملرخه طن و بیماری آزم» موقوفت
ناهنجام و نکران شد اما پایانه است، سزاوار زندان به عده
ازبند اوایل این تبرانه بوده ای شاهزاده خالی نیست، به این ایند
که خاوری نرم و اختصار در رعنه و شنکه کنایه
فعن تکه «ملفون» بیماری و درگ شد، در دستم خواهد چند دار
شاهزاد آب شدن و نظره طبله فرو رخخت این شمع خلیل باشد، هرچه
که در وجود تکه «ملفون» خاوری «سهام شنکت ناید» بیان
است، که زن کن نیز گلایه ای رو لزو و شکاک برق دارد و
خوبو نهاده های در زرد باریان شکل نیست، ملکه نیست.
خاوری نهایه که زندانی نیست، با او یکی از سرمهای های
مشغول پژوهش را زنده نهاده، رعیت هوشتنگ تیزائی، قربان
شده بوده ای، در شمارط زندان خود ای ایا این کمکسات
نموده بوده کند ۴

من در پیوود او مارکسیسم و اپنی را شناختم . اول
من توانست توپ طای پروردیده بگردی تیرین مانده چنان
بدل کند ، او امانت کارگاهی اپنی است . مگر یک پایغام
شاه همه می دهد ؟ اینکی از شاه عربه های اخیز سرمه
نماست . شتر بر زندگ آوارگ است . همچ چیزی نداشت
نمی تواند اورا میگرداند که من همه دوستشان را لذت
کند . چه عشقی خنثی آیند ؟

جنبش‌ها ومسائل کارگری

اخراج کارگران مبارز به اشاره ساواک

七、四

گلزارش‌های او رسیده آور و غصه گذگرگان اخراجی بینز خاور نمی‌گذاشت. کلکتار است که پوزارت گلار که شرمانه طرفدار از خود را از گلار پسرانه این کلکتارها اهل اسلام نمی‌دانست. سیلوان این پوزارت را نمی‌دانسته سارکار زده بپرسی از راهنمای امدادگران که کلکتاران امراء‌دیار، برای روشن شدن مکانیکنها اینها بینز خاور نمی‌گذاشتند. همچنان که اندیمه کوه گردیده بودند، رئیس گذگرگان اندیمه‌نشدن و مسلمه بازگردیدند. خدمت آنها بینز خاور نمی‌گذشتند. پوزارت گلار کلکتارها را مدعی قبول برای اسرارها به گذشتند و روش ایجاد دشوار کار در سیمه‌های انتقام‌کارانه ای روزند امساً کلکتارها را به مبالغه با آنها مرخصات دادند. کلکتارها را فتحنامی بستند و آنها را به درون خود راه نهادند. کلکتارگان به همراه افسران خود در پشت‌دره‌های سیله بستان کلکتارها از امامه دادندند اما این اسلام‌مندها و اندیمه‌سالخوانی به نتفق و عجزی و جمایعی برستند و در بروز روزیانه‌ها می‌باشد. اول روزه لعل اسلام شاشند کلکتاران به احتلال خود بینز خاور نمی‌گذشتند. همچنان دیده اندیمه این اندیمه و دهدجی را بینز خاور نمی‌گذشتند. همان گلارکن اینها بینز خاور نمی‌گذشتند. همان روزه پیاده از این هزار راه سفیر می‌گردیدند. اینها بینه خون گشته شده شدند. ما دو هفتاد طبقه طور پر ایشانه از امامه بالستند تا آن که کلکتاران تضمیم گرفتندند به سر کلکتار گردیدند اما کلکتارها حقیقت را ندانند. از کلکتارگان را اخراج کردند و اسلام داشتند که باید به دوزاره پوزارت گلار و کلکتارهای رفتند. آنچه اخراج شده اگرچه همه همراه باشند، پوزارت گلار و کلکتارهای رفتند. آنکه می‌گفتند اما همین توئیستانه

三

از پایانه ۲ شهربور نمک گلاری و سدگه هنوز ۲ کارکر
امراحت این جایخانه را تائید آند هفتی خانو خودرو الچینک
در بولت و کارکرمه در آوردن. این لارگان به دستال جنسه روز
مشتمل از گلاری جایخته بندگ شهربور از کلخانه راه

تحلیم اضافه کاری

در کارخانه جنرال استیل

سد هانر از کلکرگان گارانه بنترال استقل در ایران میباشد .
گشته و سست به راه نمی امتحان زدن و اضطراب کاری میپنداهد .
را تحریر گردند . هلت این امتحانات ملاوه بر لایل مبتلای که به
شتریلرکت و سلسله دستورات ها من طوری روایت میکند اینها ملخصی و
محدود داشت و آن این که همان این طبق کلکرگان به شکر
امتحان میباشد و میتواند این طبق کلکرگان با ملخصه بود .

حق ایاں تو نہ ہاب کلکرگان خنال استبل سر کشے بارہا
سوب پر سورور و تشنم واٹھاپ شدہ بود۔ کوئی بھی از طے سال
بیس پرست کلکرگان سرسی حلول کلکرگان بے طور ایکانی قلعے نہ
کلکرگان مفتری سفوان کلکشانه گفتہ کرد کہ اگر کلکرگان سا
سیانیا ہست و او ما یاہ بے از ساخت کلکرگانی روزانہ بھنس
سیانیا ہست و میں براوی کلکرگان سانک کلکرگان بے من صورت و آئے
کلکرگان سانک بے از ساخت متراف بانکلکلکرگان بے سرو خواہند
شدو هنڑی نہیں باری ازانی بایت بر دوش بخواهد ایشان۔ سلوان
کلکرگان سانک تخلی کر کرد نہ کہ سر ازان صورم شدن کلکرگان از سرسیں
ایاں و تھام بیڑوئے نہ توں بے آن کہ ازان بایت بیڑو ازند
ماں سلیم سلیم بے ایاں توں قطفہ و تونوں بے کلکرگان دھنسے
امن خلک و جنگ و الجھاں ایکنتر بے تراہات کلکرگان روزو شد
کلکرگانیا بے آن و غصیں شنید۔ سو ایمان کوئی کہ تھرم ایکانیکی
دکو کلکرگانے کشید۔ ایمان تعمیر فتحے علت حمد و مشکل کلکرگان ای
ایمانی بیڈن سلطنه اکاٹھی بیساں و اجتنبی و بایز نہ ایڈس
بے عله فتح شدید و نیاز سچانی کلکرگان بے مزے ایمان کلکرگانیا
کو قطع کر دیکن آن نیز باری خانوادہ های تھرست زمعکشان
جزیرہ نما بایت بر بے دش کشت کشمکش۔ کلکرگان خن آشام کے
آن طبقہ شفقت و دوست بیش دیکن بر لان دو خیان بایت ایڈس
ہنڑی ایاں و نہاب کلکرگان رائیٹھ خلیج کرد۔ کلکرگان خشکن و
مفتری بھر ہر دری و نہاب کلکرگان رائیتھ ای شکنندت۔ کوش ہے ای
سوسنایاہ ساران ماریں گئی بلوار کراس، بیوان کلکرگانی مختکس
کوک دیکن بر سلطنه مکن کلکرگان خاہ و بھر کوی بختیاں و تمام
گنگتھ سوسنایاہ باری و بخت ایمانیں حد ساری شہزادیاں جامیں
کوئی خدمت نہیں کھانے کھانے ایاں میں ایمانیں جامیں

دوباره اضافه کاری باقی نماند.
الاماں تحریر نیز باوجود آن که چندروزی ادایه پافت همچنان
هلال سابل و مولو غیره روز و شکن خود رم و ملتوت سال گذشت
روزه روشیده بود. داد و شکل و فداخان همسنگی وسیع من شکر
پر کارهای سایر را که نکه بر آن پھوشنده است زهاری فوریه و گزندی
را نامنجدی خواست که در گذشت چند روز و ملتوت پر از این را گذشت.
تمتد اندی از کارگران را ایوانی در آورد. نسبتی که عده و میس
دهد مدیری از رس ناجاری افاضه کاری را ایرس گرفتند. اما این
شکست موقی چونه در میخانه کارفرما و سرتشار نگاره روزگری
اورا با مریانی هرجه تهاصره کارگران نشان داد. کارگران به
بیان دادند و ملتوت از اینکه استثنای کارگران آنها نیز از
اسند اموی از نسخ حقیق سلم و انکار نایاب نه که طبق ریشه و سیس
سرمه کاری در شرایط انتشار و ملتوت از اینکه از همین روز
نه حاده و زین از آنها از سرین و ساری خود خواهه کارگران
گوش نزد مردم خلوکویی نی نهادند و خوده هر عنوان سمعی طلبی
نمیشانند و می متوجه شوند که کارگران بتوانند برای رفع اینجاهاست
به آن مراجعت کنند نهی می شانند. کارگران در نیزه ایت خشم و
نفرت پایمال شدن طبعیش تین ملواس و موقی خود را ایستادند
در دیدند و پایله این احتمال و تجارت شرم آور را با شرابیست
ناخواهند سایس و اوضاع و احوالیں اندیشید اندی بتوانند و بغير از
پیشنهاد خود را داشتن سندیکا و سازمان هنری و اوضاع خود را
وابقی شدند. لین این هر قصیت و تحریره که بدهیش نیوی و مادر و
شماره های آننده بوده به پرسش همه اسنان سابل و چندین
کارگری در شرابیست کوشید ایران خواهیم برد اشت.

کلخانه جنگل استانی در جنوب شهر قم کوچ واقع است.
امن واحد بجزیره تولیدی از دری و قست شناور تنگی شده به دله
قشت به تولید و سایل الکترونیکی و پیشگیری به تولید پرینتیک
و سایل افزایش کوتاه شدن زمانه ایار، انتشار در پوشش تولید
و انتقال کلخانه جنگل استانی می باشد.

اعمال

نامه رسان‌ها و کارکنان نیست

او رفعت و شبهه ۱۰ همین پیش از ۱۰ نامه رسان مختکش
هرچنان دست به اتفاق زبرد. آن ها به عنوان انتشارنگار و
هزارگانه در میگز و ساخته مختلف پسند جمع شدند.
نامه رسان ها در خواسته اهداف داشتند و دهها خواست
پیگیر. خواسته های اندیه آن ها افزایش دسترسی و روشیں
مقدم و کم از دسته از نامه رسان های است که بیدار سال ها
باشد. این اشاره بازه استفاده امریکوس شده اند: نامهای آن ها را
خواسته اند: هرچنان پسندیده اند.

نامه های نامه رسان ها از ازان بروز
خواسته های نامه رسان ها از ازان بروز :
از اینها میتوانند و دستور و اختصار سال سایه ۱۵۰۰
نامه هایی که از ازان و استفاده نمایند و اساساً استفاده
بررسی سر آنده اند و آن که سایه ساله ای ایام حساب آمد
از اینها خواسته هایی نمایند و نه تنوز بر تور سیکلت ها از اینها
به که بعد از مبلغ بود و نهار نیز است و پس از کمال حساب آنها س
که هر سال اینها شد و قرار است اسلامی کریمه ایام آنها ایند
از اینها چهار شنبه ۱۲ بهمن و کارگاه اندیشه هست هم
به اینها پرداخت میشود و آنها هم خواسته ازانها هستند و
دستور خود را میتوانند با افزایش صریح قیمت ها برداشتند.
بکارگیری و دهمگی کارگاه نامه و کارشناس اندیشه هست
مشمولان پست گذشتگونه را وارد به عقب نشینی سریع و پذیرفته شوند
پاره ای از خواسته های نمایندگان پستگردان و پست هستند و
تلگراف و تلفن رساله اعلام میکنند که چون کارگاه نامه است زیاد
ی شد . و داد و داد امکانات راهی بین شهر را با استفاده از
استفاده ای و سامان بینانه های رفاقتی در انتشار آن هابستند از این
(گنجانی ۱۲ بهمن ۱۴۰۰)

۱۱- امود و دهه های معاصر، که پر بست و تکلف و تلفن و اولیایی بر از راه آنها در مردم بازی خواهشناکی هنچنان کند که به آنها این دنیا و کارگران و کارکنان امنیت خواهی نشاند کارخونه را از سر گرفته، آنها شناخته باشند و دهه های سرخ منسوخ شوند، فرازه امراض انسانی را می خواهند.

۱۲- تا از زیرین ساخته ای که نوبه زد، چاهی و قفت، این اعصاب کشته رده که باقی و در کارهای بست و تکلفی شده بسیار باره داشت.

محکومیت دوبارہ زندانی قطعی شد

و-انتقام رزم دندار ۲ زندانی ساسان راکه از سالها پشت در
دولت عادی از بسیاری بد مردی بودند باهی بهانه تراویح مسأله ای
ن و پرونده سازی مصلحته و عیل پایه و اساس برای پلر درود بهم
کشیده و درین ازیخته ای خرم گاهی که مرتبک شدید اند بد
نهایتی بر ازدست مسکون گردید. همان‌یاران نخستین دارگاه و
من حکم کشیدند و لابل ابیانه این نظر را بر شلهه های
شده تهیه به تقدیم کردند رامین اینچه بررسید و زندانی
و در کسانی که مسکون میخواستند را بدرسته بست پشت
دندار از این ادانتشویی محاکمه بخواهی شدند از این
دندانه دو روادنگا تبدید نظر نطاچی به ۴ مال زندان دریابد
که گردیده اند.

اسای و مشتملات مکون به شرح زیر است :

- ۱- ابراهیم ول افریده نیزنان مکونت تبلیغ م سال.
- ۲- دستگیری نشستن، سال ۴۰ (اوسالیان مکونت را زندگانی شیراز، هزار جان و شریعت آغاز کرد) .
- ۳- حسن شاهزاد نشد مکونت نشستن سال ، نارنجی ن بازداشت سال ۱۹۰۰ .
- ۴- حسن روحانی شاهزاد چن تاریخ اولین دستگیری سال ۱۹۰۲ مدت حدود نشستن ۲ سال .
- ۵- رفیق الدین شاهزاد تاریخ اولین دستگیری سال ۱۹۰۴ و مکونت ششسالن ، به سال و نهم .

هـ- حبیب‌الله زین‌الانوار: اولین بار در سال ۱۳۰۵ هـ استکنی
بند و به سال زدنام مکون شد.
۲- محمد‌حسین‌زاده‌دهقان: تبار اول در سال ۱۳۰۵ هـ زادت
و دست میکنیدت او سال بود.
سازمان طارها بر این مکون در پایه طغون است و آزادی
کار اخراج شود بر ارادت. به همین دلیل برای آن هما
شتر و نهضت و برپایان نام اصول خلاب و انسانی به شمیوه
گاکه‌هایی نظر نداشت. از قری و سلطان به محل خود آن‌ها را
برآورد و مکنده است. این منابع هر سوی خانواده‌ای را می‌توان
برای ازدای خود در شاه سازمان: این پلاط و زاده‌ایان علیقی
از این را ساختنی کرد و همچو و شترهای گردنه‌های
بر پایه ساخته بود. بر این انداده هشت مدینان و سوی اکبران
که پیش از پیشی، بازی کند.

تظاهرات دانشجویان
به مناسبت جنایت رژیم درقه

به دستهای حمام خوش که رویم در قم به راه آمدیست، در
گاهه منتهی تهران داشتند و می پارچه های راکه روزی
شمارهای طل و انشاگاهه نوشتند و درین سود را انتشگی
صب کردند. در تراپان شمارها مطلع گذاشتند و روزی در قم
نم داشتند و باعث آنکه معلمون شده بودند. انتشگی از
همین روزه شکل سازیان باشند و درین نقطه را انشاگاه حسیع
دین و بهادر شهیدان راه آزادی را در قم به اینجا ساختند.

داشتند و باران داشتند که علم و صنعت نیز در نظام امپراتوری
گسترش یافتند. مکانیزم اقتصادی کشور را تغییر دادند و این مکانیزم
با اینکه از سیاست‌گذاری بر این روزهای نوین کنیکی به طرز خیابانی
از امراض داشتند که اتفاق نداشتند.

تھاجم گرازھائی رٹیم بے خوابگاه دانشجویان کرچ

دندان خست و نمیخورد که در ازانت گشته کشان را زور کرچه در میخورد
کوشش، آنهاه باران هرم، گلایه در میخورد به سرمه
تیغه های راست گشته با اینکه زدن همال شناخته شده است. سپاهان
در ازانت گشته همچوپ و تاری این داشتن گشته از رویه ۲

دوی پسر و داشنگه در این شتره خواهانه داشت که
کوک و کارت، داشنگه ای خشکه همچوپ، پسل و گردیه
بل غیر از اینکه ای اکتا نکرد، دسته دسته شنیدن شناسای این داشنگه
سراگان زد، در مویون این تحقیق لکه ای استشانه ایست. ۷

دوی دشتر و سوسی که از زوره شان به محواله هنگوکی
زدند و شنکی در بوانه ول و اوس شد. به نهان این هموم
سپاهان داشنگه طو نامه ای ده عنوان اتفاقیه این
میهانه ای پالسون و گلار استشنا داد. وی در استنجه ای، بود
شندکه معلم پالسون و گلار خلاف طعنی اساسی و مهنت
باشکنست معلم است.

دردانشگاهها

توضیحی درباره

شهادت یک دانشجوی مبارز

تظاهرات افشاگرانه دانشجویان

درکچ

در پنجه دو دی ماه حجم از در اشتوخیان مر مهد اشگاه
چهارمین دسته ته کوچ که باه مله پر محض و گلگز شنی است
دسته بیه سلسه تغذیه ارات او آگران زند. راشنجویان مر
اون شاخه ارات برای گلگزان محله سفراخی گرد و با شمار
زمینکان بداند شاه شما خلا دارست به نه خود را بس
گلگزان مر در راه سرتیکو چشم خد گلگز و فاشیست شاه مزدو و
دشمن داشتند. داشتنوی های خود برای گلگزان
سر اسماشون را تیریج گردند و تالار سونونکه اندک سرمایه ای
پر کانه راه هایی زمینکان ایند انتشار است. راشنجویان مر
همیز و زیر تهدید از راهی ای اشناگونه مر مله پشت گرسنه.
ت این راه کشکان که از قبیل برده کار خود را بین گرفته بودند.
تو اسندت بیل از سوی سینه کراچا خواه راند ارجوی و شریعتی انس و
ساواه. مله و اترک کسد مله اون گفتکه لعه خنز از آنها در دام
نمی خورد. سارول و زخم خوار آی اک تو اسندت
گلگز کاری و مهندسی کرد. مله ای و را باری دید اگر که
های راه کوشش کرد. مله ای که را باری دید از شم خوبی نهاده
وزیر از راه ممه اند اهه ها را پیش کرد و پایه و پرده بودند.

二十一

یہ یاری سیل زدگان میٹھا بند

فر روز شاه نه عده دخون در پیکر سفراهای این مشغولترین
جهانیان بنا نهادند از اینها سات و سیاقاً هر چند تماشی پنجهست
در گرد و پیغمبره های بر مردم حضور همراه بود. این عده ها
دعا مانند حسنه های در مردم را آمده های ساواخ زده راه باخت
لندن کوچکی فرمایش و پیر جان مفعک شد. و ادیر لندن
روزگاری که شاه و صدرسرگرم دیدار از هند و سان
جیوران افضل حسن و اندراون و مارالان دوستم خطاپ
نیز کرد. در همان کنده هندی که در میان این ها
از در سوی یاری ایرانی خوش هند بودند به این سرگ
ما را اینان از مردم را ندانیدن حضله استهلاک کردند.
روزگر شاه و صدرسرگ از مردم تاه ب شهود دعل، انسووه
کشک کان صد پیغمبر را شکانتند و شمام و مشت های گره
و خشم خود را درست نمایند روی گشکد از هنوز و در چنان شای
نشانه نمایند که در میان این اعدامهای را کس
با هم متعذل و شمارهای نوشته شده و تکریت و هر سای
شکار آگرین شده بود بعد هاندی و پی و داشتند توی
توسیه بالپس هند بازداشتند و دهد زیارت نیز صور
۲.

ازگوش و گناوه

اونچ بیوپت!

از پیشنهاد شرکت ملک خوشی دارد رسماً مخاطب خود می‌باشد. این اتفاق را می‌توان با عنوان «برگزاری اولین کنفرانس اسلامی ایران» نامید. این کنفرانس از ۲۰ تا ۲۴ آذرماه ۱۳۹۷ در هتل پارس اصفهان برگزار می‌شود. این کنفرانس از نظر اهداف و محتواها بسیار متشابه با کنفرانس اسلامی ایران است که در سال ۱۳۹۶ برگزار شد. این کنفرانس اسلامی ایران در تهران برگزار شد و از این منظر می‌توان آن را کنفرانس اسلامی ایران نیز نامید. این کنفرانس اسلامی ایران در تهران برگزار شد و از این منظر می‌توان آن را کنفرانس اسلامی ایران نیز نامید. این کنفرانس اسلامی ایران در تهران برگزار شد و از این منظر می‌توان آن را کنفرانس اسلامی ایران نیز نامید.

شهادات

نقابداران در دزفول

در زیر قبول روز شنبه در پیشین ماه شاهد نظارت های سعی
بر ایجاد آن بودند. دیدهای غیر بر حالت که نظایر و بهره داشتند
خواهان همچنان خوبی های شماشل های خود را زیاد نداشتند. اینها
این طور تو خلاصتی دولتی شهرو را به لزمه دار نمودند. ظاهره
آنکه دولتی شهرو را تغییر نمودند این است که شهرو از این
دوستانه ای بازگشت مکونکنند. اینها از این بودند. با همچو بایس
اعذر گفتن کنند که شهرو شدند.

مردم چگونه عمال رژیم را
رسوا میکنند

مردم چگونه انتقام می‌گیرند

مکر دیگر از اینکارات مردم قم و کرد سرخیان تطاہرات پیر
شوری خواه یاد گشته دهبا گشته بین خدی دارند و هر یار ملائمه
باشد اینکه سریع و زیست و در دفعات از خود، این بود که درین روز
درین شاهزاد یا تابوت سراسیر شدرو شورا بر سیل پیشنهاد و درخواست
هر چشم خواه و این انتادنند. این حمایت که از اتفاقات سلطان مردم و نزد
پسر و طاهره و ...، بنتگی شده بود و در عصی شنین چنانچه بسی
از اینکارهایی برای پیشگیری (کارت المراو ایروگ) نزدیک شدند، درست
در سرتیل کاشتارهای خاص گستاخ تا در آواره زیست گردشت و نگاریان
در این امثال تابوت و از این شاهزادهای جباره ای دهبا و بوسو چنانی
میتوانند. مردم گفدل بین خوش از دست عالمان رزرسی
باشند و لذت پیشگیری از اقل دهبا فروزنده، لازم و خوب به دل
آن است. شدید بده کاروی های انتادنند و هنگن شن به تنسی
درین انتادن، تاگل ایوان ای ای سرمه و سوادم انتظام خود را ایان
با یاری گرفت و اینکه دیده بیند

اتش کیہے مردم

در این بیان هنگامی که خندگوی برانسته های یک ازدواج
این میزد و در پله کارا بازگردی شد مدد او از مردم بهبادس ره
خواست که همچو بودن و خواست آن هاراهه اشکن کشیدند. و چون
مشتوت نداشتند از این کارا راه را خوش بودند و همان دشنه کشیدند که همچو
باشد از این ایجاد شده های خوب خواستند و زنی نام که که باشد و زنی
که باشد از این ایجاد شده های خوب خواستند و زنی نام که که باشد و زنی

اعتراض و اعتراض
دیوان قصر شیرین

چندی پس پنجه ای از امراهان انتظار می شود تا نیز خصیر شیرین به این بهانه که بپرسید: «بهر دیر سرکلا من شنبه کردی است و به سرخ و در گوگوی روی دیوار از نهضن ولشانی بسیله زور
به دست های او سستندند زند و لایه لایه کشتنی بر پرده سرمه
دیوان را از کشاند که امراهان باختیر می شوند پاشنه و فرشچه
ماهی از این طبقه دیگر سرکلا خود شیر شیرین را در حمام
سکه از زند و پرند آشیانند خوبی دیوان شیر شیرین از این
اقدام خودسرانه و ناشیستی بکل ای موبار! زیرین خود را کاهد
و زدن به سرکلا ها خود مباری می کنند. دیوان روزی خود کاهد شد
للام کرد که شناسد کی به این جا رست به انتساب افتخاری
خود آن امر خواهند دار.

پایه‌داری مردم

در برابر تهدیدهای رژیم

شهر قم هنوز از عزایی شدید ای راه آزادی این شهر بسرور
سپاه است و هر چویه بهانه های مختلف مردم گهی خود را تزیین
نمود و دخن آشما شاه سوارک شنان یعنی در همه جهات می خورد.
بود که مرور زخم خوش بود که در این طبق سوارک شنان گه شاد شنا بشو
است اینها از زندگی کارکنان را در این دنیا می خواهند و در این
عذاب های را طی خود می خواهند که از طبق سوارک شنان به آنها بدهند
هزب عاشقانشی از قل عذاب شاهنشاهی و بر سر در عزای های خشونت
شدنند بر جمیع شاهنشاهی و بر سر در عزای های خشونت
بریزان گشته، در تمام طول این روزها مدها بر جمیع سیاه بر سر
و عزم عزای های قم را از شده و سوچنی در پیشی از خلاصات
همه ای اینها مصلحت سلطان ترا که شدید است که در آغاز این دوره از
مردم را در عزای های خود بجهیزهای خود امداد نهند،
سوارک شهروز را که بر سر اینها می خواهد که اینها بدهند یار
و اینها همچو بوده بده می بخداز مردیکی به عنوان اشرافی
شست شد. این مطابق در پیر بازیگر گویی ساروک در نیاز ایلی
هر چویه که شهروز ای را فی به دستور سوارک طی الملاعه ای
با زاری و ساری و سارک که باید احاطه کرد ماست در صورت بی ای
سوارک ساره ای را که اینها بدهند یار می شود و
می بخداز عزای های خود بجهیزهای خود می شود،
از شهان ایز خیر مردیکه در روی ششم بیهیں که به بازار ایران
که شهروز به عنوان اشرافی به کشان قم و ایل ایل شاهان طی وضمه
بلطف خوبی خود را در سوارک شناختیز و سوارک به جای برجم شاهنشاهی پیدا چهای
مرد در عزای های خود آگیران گردند.
در این ایام ساری ساری و سارک شاهروز بر روی ششم بیهیں شاهه قم پیش ایان
که شهروز ای ایست، خطای به دشی ایل ایل شاهان طی وضمه
به نیز خوشحالی سخنواری در نیکانها و میانوار را در ایام مردم تحریر
نمودند، طلاقان شهروز های شهروز و میانوار به عنوان اشرافی
زیز و دریز و ساده نرفتند، روحانیین ساری سر بر هر چیزی که
آن را نداشتند، ایجاد چیزی را ننمودند و سرگوی بخوبیش مردم قم
کوکم گردیدند.

آخرین خبر

اعصاب کارگی اند دخانیات

ز صبح دوشنبه ۱۷ بهمن بیش از ده هزار
تارک دخانیات تهران دست از کارگشیده ند
و اعلام کردند تازه‌مانکه حقوق و مزایای آنها
فروده شود به اعتراض ادامه خواهند راد.
کارگران دخانیات که جون دیکر کارگران
بیوان حقوق بسیار ناچیزی می‌پیوندند از طبق
بیش از مقاطعات دخانیات درخواست کردند
و بودند که حقوق ناچیزی‌شان را افزایش دهند
ط مقاطعات دخانیات بداران وده، امروز و
برداشیدند. سرانجام کارگران که بعد از
نهنده ماه نتوانسته بودند با اذکره اندکی از
نیجه را که روزیم از آنها لذت چشیده بیعنوان
افزاش حقوق پیش پیگیرند داشت به اعتراض
فرازیش حقوق پیش پیگیرند داشت به اعتراض

دختایی در حالی از افزایش حقوق ناجیل
کارگران خود ارای میکنند که به عنوان یک
تحصیل ابتدایی دوستی در آموزش سازمانی را دارد.
اطار منتشره از جانب خود رژیم حاکی است
نه در سال ۹۰ در آمده دختایی بین از ۷۴۹۷
میلیون ریال بروز و در سال بعد به رقمی
مالاتراز ۹۵۹ میلیون ریال رسیده است.

اعلامیہ آئیت اللہ خمینی

اس سالہ خسوس ہی الٹا ہے اک کشناور میں اس امر پر
محکم کرد دراون افلا میلان ماستہ
نہ سانخو بیرتوں از نہ سنتا زیر عرب دار استو سعائین
مرسا سرکر ویز افکن مدور کوئی کھان کی خاصیت اور کشناوار از
پر ایڈن اور کور بواؤ اور سندھ جاوکھڑا علاقہ روپیہ جانے
پر ایڈن۔ میں ۲۴ ستمبر میں اسیں تقدیم کی ائمہ جمایات
۱۔ عالم دین ایمان



رأی آگاهی هواداران حزب

ما یکباره بگزیرین هم از این حزب را در جهان آمد
سازمان و پکنینگ بر اساس رعنای های سازمانی و گسترش
الامم تزویج نمای بودند آنها و با هر کسی همچو تاجر یا مسافر از
آنها. برای فرازیون این میان خانه های اسلامی صلحاء گامسته
باشند. این اتفاقات این شرکت بودند شرکت اسلامی را از
جهان میگردانند. این شرکت خوب و ملائکت کار باشد و بدانند از این راه سفارت اسلامی
نشانی نمایند. ایران را به عنوان یک مردم و شرکت اسلامی میگردانند و شرکت اسلامی
میگردند که حرف و سیاست اخلاقی ایران را که بر زیرنامه ها
ترن شده بود را با پسرشند.

۱۷۰

Sweden
10028 Stockholm 49

0034

SLJ

تظاهرات در نه به رک به شتاینه از کانون نهضتگان ای ای

در میان ناظرگان شنبه های مدرسه هنر چون آنور
لر (زینه شهسیر امیرکلی) ، اولین بینال هنر معاصر و
ز) ، سالپیغمبر (نویسنده حد هنر) ، مکتب ملطف (نویسنده
رمان رازی زبان) در پاره اوارد (رئیس انتشار طبع امیرکلی) ،
سر ارشن (منشی شهنسیار) ، مجموع نوای (زینه از ایزدی
راوای) ، مدل مدل (نویسنده انتشار طبع امیرکلی) و دکتر
سا رامشیز شاهر و منشی ایرانی و استادان مانع اشتغال به
تاریخ خود را درآمد .

وزیر پشتنهنده ۱۴ ماه بین از حد و بیست شش او زنیستند که
سخوار و همتر انریکیان در رابر ایلند همچنان بود که محل
اقامت خود پهلوی شاه امیر فربشاد جلا (د) اختنان گردید
و مدتی اتفاق نداشت که خواسته و قدر ظاهره سپاه و شبهه
وزیر شاه است به نوبت بدگاه اراوان به گوشیها برای این دند.
تازه از درگذشتن کان که در کمال تازیانه و رک و گرد پهلا کات عالی
هر دست اشتبه کروی آشیان شمارهای نظر نگاری
نیویسند کان ایوان راه و سمت پیش امده است ^{۱۵}، ^{۱۶} بهینه کارنیزه این او
را آزاد را کرد ^{۱۷}، ^{۱۸} و زند اینان سیاسی آزادی کرد ^{۱۹} و ^{۲۰} از تکمه
زند اینان و کشثار بود دست بوردارد ^{۲۱} و ^{۲۲}، بمشته شنیده
برید.

A decorative horizontal border consisting of a repeating geometric pattern of interlocking shapes, possibly a stylized floral or foliate design, rendered in a dark color against a light background.

در راه ایجاد جیهه ضد دیکتاتوری بکوشیم!